

Nonverbal Communicative Behaviors and Their Impact on Social Interaction from the Perspective of the Qur'an

Mohammad Ismail Salehizadeh¹, Tahereh Haji Qasemi²

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Qur'anic Sciences and Studies, Shahrood, Iran. salehi@quran.ac.ir

2. Level 4 Seminary Student, Imam Jafar Sadiq (a.s) Specialized Seminary, Shahrood, Iran. taherehhajighasemi@gmail.com

Research Article



Abstract

Nonverbal communication is the transfer of information, thoughts, and human behaviors from one person to another through means other than language and speech. In explaining nonverbal communication, the Qur'an highlights the significance of outward characteristics in individual and social relations—such as facial expressions, gaze, smiling, cheerfulness, crying, laughter, clothing, and the like—which constitute a considerable portion of social interactions. This study, using a descriptive-analytical method, examines nonverbal behavioral skills and their impact on social communication from the perspective of the Qur'an. The findings show that facial expressions reflect a person's inner states and are among the most important elements of interpersonal interaction for maintaining healthy social relations. Individuals can respond appropriately to different situations through facial expressions, and a joyful or sorrowful face can bring happiness or sadness to those around them. One of the most important functions of eye-contact skills, which are essential for the soundness of social communication, is controlling one's gaze, particularly in relation to the opposite sex, as well as refraining from looking at others with contempt. The communicative skill of smiling creates joy and delight, fosters affection and closeness among hearts, and contributes to social well-being. The skill of dressing and adorning the body with appropriate clothing ensures health in social communication and provides a basis for cohesion and connection among individuals.

Keywords: Qur'an; Behavioral skills; Nonverbal skills; Social communication; Social well-being

Received: 2024-02-05 | Received in revised form: 2024-04-02 | Accepted: 2024-03-17 | Published online: 2025-06-22

◆ How to cite: Salehi Zadeh, Mohammad Ismail, Haji Qasemi, Tahereh(1404SH): Nonverbal Communicative Behaviors and Their Impact on Social Interaction from the Perspective of the Qur'an, *quran and social sciences*, 2(18), p10-35, [10.22034/arq.2025.231298](https://doi.org/10.22034/arq.2025.231298)

©2025. Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

مهارت‌های رفتاری غیر کلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن

محمد اسماعیل صالحی زاده^۱، طاهره حاجی قاسمی^۲

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شاهرود، ایران، salehi@quran.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. طلبه سطح ۴، مدرسه علمیه تخصصی امام جعفر صادق علیه السلام، شاهرود، ایران، taherehhajighasemi@gmail.com

پژوهشی



چکیده

ارتباط غیر کلامی، انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر از طریق غیر زبان و گفتار است. قرآن در تبیین ارتباط غیر کلامی به اهمیت خصایص ظاهری در روابط فردی و اجتماعی نظیر حالات چهره، نوع نگاه، لبخند، گشاده رویی، گریه، خنده، پوشش و نظایر آن اشاره کرده که بخش قابل توجهی از ارتباطات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مهارت‌های رفتاری غیر کلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حالات چهره بیانگر حالات درونی انسان و از مهم‌ترین عناصر تعامل میان فردی برای تعامل سالم اجتماعی است. انسان‌ها می‌توانند با حالات چهره متناسب با آن موقعیت، از خود عکس‌العمل نشان دهند و چهره شاد یا محزون می‌تواند اطرافیان را خوشحال یا غمگین کند. از مهم‌ترین کارکردهای مهارت ارتباط چشمی که عامل سلامت ارتباطات اجتماعی است، کنترل نگاه به‌ویژه در مورد نگاه به جنس مخالف و نگاه تحقیرآمیز نکردن به دیگران است. مهارت ارتباطی لبخند در انسان‌ها ایجاد سرور و بهجت نموده، باعث جذب و الفت بین قلوب و سلامت اجتماع می‌شود. مهارت پوشش و زینت بدن با لباس مناسب، باعث سلامت در ارتباط اجتماعی شده و زمینه پیوستگی و ارتباط با یکدیگر را فراهم می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مهارت رفتاری، مهارت غیر کلامی، ارتباط اجتماعی، سلامت اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

◆ استناد به این مقاله: صالحی زاده، محمد اسماعیل؛ حاجی قاسمی، طاهره (۱۴۰۴): «مهارت‌های رفتاری غیر کلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۲(۱۸)، ۳۵-۱۰، [10.22034/arq.2025.231298](https://doi.org/10.22034/arq.2025.231298)

۱. بیان مسئله

قرآن الگوهای رفتاری و سبک ارتباطی انسان را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی با باریک‌بینی بسیار، تبیین و ترسیم کرده است. بی‌گمان، ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های موجود جامعه به عدم پابندی و فاصله گرفتن افراد از این الگوهای رفتاری بازمی‌گردد. آموزه‌های قرآن علاوه بر رفتارهای کلامی، بر نقش و اهمیت رفتارهای غیرکلامی مانند حالات چهره، ارتباطات چشمی، گریه، خنده و پوشش که عامل سلامت اجتماع است، تأکید دارد. ارتباطات بخش عمده‌ای از زندگی اجتماعی و تعاملات هر فرد را تشکیل می‌دهد. ارتباطات انسانی محدود به ارتباط کلامی نیست بلکه بخش چشم‌گیری از ارتباطات انسانی از طریق ارتباط‌های غیرکلامی صورت می‌پذیرد. به‌طورمعمول، اولین ارتباطی که انسان‌ها با فرد دیگر برقرار می‌سازند از این نوع ارتباط است که در ارتباطات میان فردی و عمدتاً در تعاملات حضوری و چهره به چهره از طریق نشانه‌ها و علائم غیرزبانی به‌گونه‌ای مستقل و یا اغلب همراه با پیام‌های کلامی به یکدیگر ارسال می‌کنند. ارتباط‌های غیرکلامی، طیف متنوعی از کنش‌ها و معانی رفتارها از حالات چهره، نوع نگاه، رنگ رخسار تا نوع راه رفتن و نشستن، طرز لباس پوشیدن و نظایر این‌ها را شامل می‌شود که هریک به‌صورت خواسته یا ناخواسته پیام‌هایی را به دیگران انتقال می‌دهند که در قرآن کریم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بدان اشاره شده است.

افزایش آگاهی در زمینه‌های غیرکلامی، فراگیری نحوه کنترل رفتار و کلام در ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن به‌عنوان بهترین کتاب خودشناسی، خودسازی و تلاش برای بهتر زیستن و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی است. دین اسلام بر اساس فطرت و نیاز در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به این روابط و استحکام آن بی‌تفاوت نبوده و حتی بسیاری از احکام وسایل خود را بر پایه آن قرار داده است و با هر امری که فصل و شکافی در این رابطه ایجاد کند به مخالفت برخاسته است.

با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه آن در میان انسان‌ها، محققان همواره در پی کشف علائم، نشانه‌ها و مهارت‌های غیرکلامی بوده و بیشتر آثار موجود در این زمینه به بحث ارتباطات به صورت کلی پرداخته و ذیل آن‌ها اشاراتی به روابط غیرکلامی نیز شده است که برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: پژوهشی تحت عنوان «اصول و مهارت‌های روابط انسانی در نهج البلاغه» اثر اسلامی نصرت‌آبادی (۱۴۰۲) و مقاله «رابطه زبان بدن با ادراک تعامل اجتماعی» روحی و همکاران (۱۳۹۶). نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که چشم و دست بیشترین سهم را در ادراکات اجتماعی دانش آموزان دارند. بهرامی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «بررسی نقش زبان بدن و ارتباط غیرکلامی معلم در مدیریت رفتار دانش آموزان» تلاش نمودند تا ابعاد و شیوه‌های اثر بخشی ارتباط غیر کلامی در بستر آموزش تحلیل شود. وثابت کرده که معلمان با به کارگیری هدفمند زبان بدن، می‌توانند فضای کلاس مثبت تری ایجاد کنند. ۴. رضایی (۱۳۹۳) در مقاله «نقش رفتارهای غیرکلامی در ارتباطات انسانی از منظر آیات و روایات» به نقش رفتارهای غیرکلامی مانند گشاده رویی و حسن خلق در کارکنان ناجا و مأموریت‌های این نیرو پرداخته است؛ ولی درباره موضوع این مقاله پژوهشی یافت نشد؛ از این رو، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به مهارت‌های رفتاری غیرکلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن پرداخته و می‌کوشد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مهارت‌های رفتاری غیرکلامی از منظر قرآن کدام‌اند؟ این مهارت‌ها چه تأثیری در ارتباطات اجتماعی دارند؟ بدین منظور ابتدا به مفهوم شناسی مهارت رفتاری، ارتباط اجتماعی و مهارت‌های غیرکلامی پرداخته و در ادامه مهارت‌های رفتاری غیرکلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن بیان شده است.

۲. مفهوم شناسی

مهارت رفتاری: مهارت به معنای «زیرک‌شدن»، «استادی» و «زیرکی»

(دهخدا، ۴، ۱۳۹۵: ۱۶۱؛ حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۷۰۷۹؛ عمید، ۱۳۷۴: ۱۱۳۷)، به حدّی از یادگیری اطلاق می‌شود که از مرحله دانش و نگرش عبور کرده و به توانایی عمل به صورت عادی رسیده باشد (دهخدا، ۱۳۹۵، ۴: ۱۶۲)؛ به عبارت دیگر مهارت به معنای استفاده ماهرانه و توانمندانه از دانش است شاید به همین علت، دو واژه «چیره‌دست و ماهر» تا حدّی مترادف فرض می‌شده‌اند. وقتی از چیره‌دست استفاده می‌شود؛ یعنی مهارت بسیار فیزیکی و مکانیکی دیده می‌شود. مهارت در اصطلاح، اشاره به توانایی‌هایی دارد که الزاماً ذاتی نیستند؛ اما قابل پرورش هستند به خصوص در نحوه انجام وظیفه فرد و نه در توانایی‌های بالقوه او انعکاس می‌یابند؛ بنابراین ضابطه اصلی مهارت، اقدام مؤثر در شرایط متغیر است (خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۸)؛ بنابراین مهارت، قدرت و توانایی انجام مؤثر کارهاست. با توجه به این که هیچ معیار و شاخصی برای آن وجود ندارد، هر فردی می‌تواند هر مهارتی را از طریق تمرین بیاموزد؛ اما یادگیری و آموختن مهارت تمام ماجرا نیست بلکه فرد پس از یادگیری باید برای توسعه آن، سخت، کارکرده و وقت زیادی صرف آن کند. منظور از مهارت‌های رفتاری غیرکلامی در این پژوهش، قدرت انسان در استفاده به جا از رفتار خود با استفاده از زبان بدن که غیر از زبان گفتار است.

ارتباط اجتماعی: واژه «ارتباط» مصدر باب افتعال (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۴: ۳۲)، به معنای ربط دادن و پیوند دادن و اسم مصدر به معنای پیوند، رابطه و پیوستگی استعمال می‌شود (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۲۰) ارتباط در اصطلاح یعنی فَنّ انتقال اطلاعات، افکار و رفتار انسانی از یک شخص به شخصی دیگر است. ارتباط، فرایندی است که یک شخص، مفهومی را به ذهن شخص یا اشخاص دیگر با استفاده از پیام‌های کلامی یا غیرکلامی منتقل می‌کند (ریچموند، ۱۳۸۷: ۸۱). ارتباط اساس شکل‌گیری جامعه، سرچشمه فرهنگ و موجب تکامل آن است چون تا زمانی که انسان‌ها پراکنده باشند و باهم ارتباطی نداشته باشند، به درستی هیچ‌یک از عناصر ارتقای فرهنگی را کسب نمی‌کنند. «ارتباط اجتماعی» در مقابل واژه «ارتباط فردی» به کار برده می‌شود. درجایی که به

امور و روابط اجتماع بستگی داشته باشد، می‌توان آن را به کار برد. به کسی که با آداب و رسوم همگانی آشنا باشد و بتواند با دیگر انسان‌ها پیوند و ارتباط برقرار کند، اجتماعی می‌گویند (احمدی میانجی، ۱۹۹۸، م، ۳: ۷۰۸). «با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی و فرهنگی، ارتباط اجتماعی در معنای خاص به ارتباطی اطلاق می‌شود که موجبات انتقال معانی یا پیام‌هایی در بین جمعی را به وجود می‌آورد و لذا مستلزم وجود بیش از یک نفر در جریان ارتباط از هر سو (فرستنده یا گیرنده پیام) است؛ اما در معانی عام آن با توجه خاص به ارتباط اجتماعی انتقال اطلاعات از یک شخص به شخص دیگر است» (معین ۱۳۷۲، ۱: ۵۴).

ارتباط غیرکلامی: ارتباط غیرکلامی، انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر از طریق غیر زبان و گفتار است؛ مانند راه رفتن، طرز قرار گرفتن، حالت ایستادن، حرکات چهره، چشم‌ها و ابروها، لحن و ثن صدا، طرز پوشیدن لباس و حتی فاصله‌ای که با مخاطبین دارد (یحیایی ایل‌های، ۱۳۸۱: ۲۷) مهارت‌های ارتباطی، شامل مهارت در برقراری ارتباط با دیگران، مهارت گوش کردن، همدردی، تشخیص احساسات و... ارتباط غیرکلامی است (عباس نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶-۷۳) که ممکن است افکار، احساسات، نیت مخفی یک فرد را نیز آشکار کند؛ زیرا گاهی با عنوان گفته‌ها به رفتار غیرکلامی اشاره می‌شود. چون گفته‌ها در مورد حالات ذهنی واقعی فرد به ما اطلاعات می‌دهد و از آنجا که افراد همیشه آگاه نیستند که در حال ارتباط غیرکلامی هستند، اغلب اوقات لحن گفتار، صادقانه‌تر از جملات کلامی فرد است که آگاهانه برای نیل به اهداف گوینده مطرح می‌شود و گاهی غالباً اطلاعات ارزشمندی درباره احساسات دیگران در اختیار ما می‌گذارند و نقش مهمی در بسیاری از اشکال تعامل اجتماعی از قبیل جذابیت فردی، نفوذ اجتماعی، کمک‌رسانی، پرخاشگری و تعامل پزشکی- بیمار ایفا می‌کنند؛ علاوه بر این، مشکل است بتوان این علائم را از دید دیگران مخفی نگه داشت. اطلاعاتی که از طریق این

رفتارها و علائم غیرکلامی منتقل می‌شوند و تفسیری که ما از این داده‌ها ارائه می‌دهیم با عنوان «ارتباط غیرکلامی» مطرح می‌گردد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۹). زندگی اجتماعی صحنه انواع ارتباطات و تعاملات میان افراد است. افراد در تعاملات اجتماعی بیش از آن که از کلمات بهره گیرند، از ارتباطات غیرکلامی بهره می‌گیرند. ارتباطات غیرکلامی، نشانه‌ها و علائمی را در برمی‌گیرد که معنا را از طریقی غیر از زبان منتقل می‌کند و به یک زبان رسمی وابسته نیست و ما هنگامی که با دیگران رابطه برقرار می‌کنیم، آگاهانه یا ناخواسته آن‌ها را تولید می‌کنیم. هنگام استفاده از علائم بدنی، ایده‌ها و مفاهیم بدون استفاده از اصطلاحات کلامی، انتقال و تفسیر می‌شوند (روحی، زارع، آخوندی، ۱۳۹۶: ۷۶-۸۹)؛ از این رو ارتباط غیرکلامی که اغلب با عنوان رفتار غیرکلامی یا رفتار زبان بدن به آن اشاره می‌شود، یک شیوه انتقال اطلاعات است. درست مثل واژه‌ای که بیان می‌شود. به جز این که از طریق اظهارات صورت، حالات مصنوعی، لمس کردن، حرکات فیزیکی، وضعیت بدن، تزیینات بدن (لباس‌ها، جواهرات، سبک آرایش مو، خال کوبی‌ها و...)، لحن آهنگ و بلندی صدای یک فرد (به جای محتوای بیان شده) حاصل می‌شود (جونواوار، ۱۳۹۲: ۸۷).

۳. مهارت‌های رفتاری غیرکلامی و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی

مهارت‌های غیرکلامی، معمولاً اطلاعات ارزشمند و زیادی درباره احساسات دیگران در اختیار ما می‌گذارند و نقش مهمی در بسیاری از اشکال تعامل اجتماعی از قبیل جذابیت فردی، زیست اجتماعی، کمک‌رسانی، پرخاشگری و... ایفا می‌کند و این رفتارها را نمی‌توان از دید دیگران مخفی کرد و ارتباط غیرکلامی طیف زیاد و متنوعی از رفتارهای اندام‌های انسان است که خواسته و ناخواسته به صورت مستقل یا اغلب همراه با رفتارهای کلامی پیام‌هایی را به دیگران منتقل می‌کند. قرآن کریم، در تبیین ارتباط غیرکلامی به اهمیت خصایص ظاهری در روابط فردی و اجتماعی نظیر حالات چهره، نوع نگاه،

لبخند، گشاده‌رویی، گریه، خنده، پوشش و نظایر آن اشاره کرده است که در ادامه به تبیین آن‌ها و نقش هرکدام در ارتباطات اجتماعی از دیدگاه قرآن پرداخته می‌شود.

الف) مهارت ارتباطی چهره و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی

حالات چهره پس از زبان، مهم‌ترین و گویاترین منبع اطلاعاتی در انسان است و اطلاعات فراوانی در خصوص حالات درونی انسان‌ها همچون خشم، هیجان، خوش‌رویی و... به ما می‌دهد. انسان‌ها هنگام گفت‌وگو و محاوره به چهره همدیگر بیشتر نگاه می‌کنند تا سایر قسمت‌های بدن هم‌چنین عواطف و احساسات انسان، مثبت یا منفی، مهر و شفقت، حزن و شادی، خشم و غضب، بیم و امید در چهره بازتاب داشته و نمایان می‌شود و برخی چهره را تصویر روح می‌دانند (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۵)، قرآن یکی از راه‌های جرم‌شناسی را مهارت در چهره‌شناسی و علائم و نشانه‌هایی که در چهره آشکار می‌شود، بیان کرده است، چنان‌که می‌فرماید: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (رحمان: ۴۱)؛ مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و آنگاه آن‌ها را از موهای پیش سر و پاهایشان می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند)! آن‌ها به کمک نشانه‌هایشان که عبارت‌اند از تیرگی صورت‌ها و کبودی چشمان شناخته می‌شوند (طبرسی، بی‌تا، ۹: ۳۱۲). همچنین در قرآن سخن از نیازمندانی می‌رود که از شدت عفت و مناعت طبع، فقرشان را از دیگران پنهان می‌دارند و به اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند؛ ازاین‌رو فرد ناآگاه آن‌ها را توانگر و بی‌نیاز می‌پندارد؛ اما رسول خدا ص فقر ایشان را از سیمایشان می‌تواند بازشناسد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنَاءَ مِنَ التَّعْقُفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا» (بقره: ۲۷۳)؛ افراد ناآگاه آن‌ها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند.

از منظر قرآن همان‌گونه که آشفته‌گی کدورت و تیرگی ضمیر منکران عالم

غیب و کسانی که از تجارب ایمانی و معنوی محروم و بی‌بهره‌اند، در رخسار آن‌ها نمایان است، به همان نسبت صفای باطن اهل معنا در چهره آنان پیدا و پدیدار است. پرتو نورانیت و صفای اهل ایمان از پرده رقیق و نازک جسم ایشان گذر کرده و چشم جان ناظران و صاحبان بصیرت را به نور خود روشن می‌سازد. (رضایی، ۱۳۹۳: ۵۶) بر اساس انسان‌شناسی قرآنی، خلق و خو و احوال روحی آدمی بیش از همه در رنگ رخسار و حالات چهره او نمایان است، چنان‌که قرآن درباره سیاه شدن چهره مشرکان دوران جاهلی (از شدت ناراحتی)، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸) یا درباره اصحاب صُفّه می‌فرماید: «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ» (بقره: ۲۷۳)؛ آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی؛ از این‌رو حالات چهره بیانگر حالات درونی انسان و از مهم‌ترین عناصر تعامل میان فردی برای تعامل سالم اجتماعی است، چنان‌که قرآن چهره در هم کشیدن در برابر برخی انسان‌ها را مورد عتاب قرار داده می‌فرماید: «عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكَىٰ» (عبس: ۱-۳)؛ چهره درهم کشید و روی برتافت! از این‌که نابینایی به سراغ او آمده بود تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوی پیشه کند؟ چهره آدمی چه شاد و چه محزون می‌تواند به اطرافیان هم منتقل شده و در آن‌ها ایجاد شادی و غم کند و انسان‌ها می‌توانند با اتخاذ حالات چهره متناسب با آن موقعیت، از خود عکس‌العمل نشان دهند.

ب) مهارت ارتباطی چشم و تأثیر آن در روابط اجتماعی

در میان اجزای چهره انسان، چشم‌ها اهمیت بیشتری دارد. چون اولین ارتباطی که بین دو نفر برقرار می‌شود، ارتباط چشمی است؛ که افراد چه‌بسا بدون بیان حتی یک کلمه می‌توانند با چشم‌ها به هم‌نوعان خود نزدیک شده یا از آن‌ها دوری گزیده، آن‌ها را کنترل کرده و به آن‌ها عشق بورزند یا متنفر باشند (ریچموند، ۱۳۸۷: ۲۰۳) ارتباط چشمی، به معنای جامعه‌شناختی‌اش، یعنی

یک کنش صورت بگیرد و چشم دارای تأثیر و تأثر باشد، مانند نگاه همراه با غضب یا نگاه مهربانانه که یک نوع رفتار را القا می‌کند. ارتباط چشمی و نگاه معنادار، یکی از عناصر مهم تعامل میان فردی و تعامل اجتماعی است. تماس چشمی در میان رسانه‌های غیرکلامی، می‌تواند کمترین دروغ را بگوید و درواقع گویاترین وسیله برای آزمون شخصیت فرد مقابل است (فرهنگی، ۱۳۹۸، ۲۹۴-۲۹۶):

از مهم‌ترین کارکردهای ارتباط چشمی که عامل سلامت ارتباطات اجتماعی افراد است، نگاه پاک و دور از هرگونه آلودگی اخلاقی نسبت به سایرین و بخصوص به جنس مخالف است. به دلیل اهمیت و جایگاه نگاه در روابط اجتماعی بین فردی، خداوند متعال با لحاظ این امر ابتدا با مخاطب قرار دادن مردان می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» (نور: ۳۰)؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ سپس خطاب به زن‌ها می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند. واژه‌های «يَغْضُوبُوا وَيَغْضُضْنَ» از ماده غَض است. جوهری می‌گوید: «غَضَّ طَرَفَهُ أَيْ خَفَضَهُ» (جوهری، ۱۳۷۶، ۳: ۱۰۹۵)؛ یعنی چشم خود را فرونشاند و پایین آورد. خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که از نگاه خود به آنچه خداوند بر آنان حرام کرده، بکاهن (طریحی، ۱۳۷۵، ۴: ۲۱۸). غض در آیه به معنای برگرفتن چشم از نامحرم است نه به معنای پلک بر هم نهادن. این قسمت آیه در کنار «وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ/يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ/لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» معنا می‌دهد. همچنان که حفظ فروج و اخفای زینت از نامحرم یعنی برگرفتن آن از حرام، غض بصر هم به معنای برگرفتن است حال یا چشم بر هم گذاشتن یا هر نوع برگرفتن دیگر؛ بنابراین غض به معنای کاستن در نگریستن و جلوگیری از استمرار نگاه

است، چون نگاه خیره، نگاهی گناه‌آلود است. آیه بر ارتباط دیداری سالم و نهی از چشم‌چرانی تأکید دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۹: ۴۷۶). حاصل آن‌که خداوند درصدد بیان این است که این نوع ارتباط غیرکلامی می‌تواند پیامدهای ناگوار و ناخوشایندی را در سلامت اجتماع رغم زند و عامل ایجاد فتنه‌ها و گرفتاری‌های فراوانی شود، امام صادق علیه‌السلام به جندب سفارش کرد: «وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۰۵)؛ نگاه پی‌درپی شهوت را در قلب می‌کارد و همین برای در فتنه افتادن کافی است. امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به یکی از پرسش‌های محمد بن سنان، علت حرمت را نگاه‌های پی‌درپی عاری از پاکی دانسته و می‌فرماید: «حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُخْجَوَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيْمَا لَا يَجِلُّ وَلَا يَحْمِلُ [يَجْمَلُ]» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۳: ۵۶۵)؛ نگاه کردن به موی زنان شوهردار و دیگر زنان به این علت حرام شده است که باعث تحریک مردها می‌شود و این تحریک به فساد و ارتکاب اعمال حرام و ناشایست می‌انجامد. گاهی نیز استفاده بیش از حد از نگاه یا نگاه خیره حمل بر تهدید می‌شود و دیگران را ناراحت می‌کند. در این‌گونه شرایط، ارتباط چشمی آثار تیبیهی به همراه خواهد داشت (حسین زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

از موارد ارتباط چشمی که توسط چشمک یا ابرو بالا انداختن ایجاد شده و اثر در ارتباطات اجتماعی افراد دارد، نگاه تحقیرآمیز و کوچک‌شمردن دیگران است. قرآن از تحقیر و تمسخر مؤمنین، توسط مجرمین با بالا انداختن چشم و ابروی خود حکایت می‌کند: «وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ» (مطففین: ۳۰)؛ و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند. «الغمز: الإشارة بالجفن والحاجب» (فراہیدی، ۱۴۰۹، ق، ۴: ۳۸۶)؛ غمز به معنی اشاره با پلک یا ابرو یا اشاره با دست به‌سوی چیزی که در آن عیب و نقصی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۵) یا دارای عیب نباشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ق، ۷: ۳۲۴). وقتی چشم باز است، خیلی چیزها در چشم‌انداز نگاه قرار

می گیرد. خوب یا بد، زشت و زیبا، حلال و حرام. اگر انسان نظارتی بر نگاه خود نداشته باشد و هوشیار نباشد و از دل و چشم خود نگهبانی نکند به ارزانی از همین راه جهنمی می شود. خودساخته کسی است که نگاهش را در اختیار داشته باشد و چشمش دریایچه ای نشود که قایق گناه در آن شناور باشد (محدثی، ۱۳۹۲، ۲: ۲۵۳)؛ ازاین رو مهم ترین کارکردهای مهارت ارتباط چشمی که عامل سلامت ارتباطات اجتماعی است، نگاه مهربانانه به هموعان، کنترل نگاه به ویژه در مورد نگاه به جنس مخالف و نگاه تحقیرآمیز نکردن به دیگران است.

ج) مهارت ارتباطی گریه و اشک و تأثیر آن در روابط اجتماعی

یکی از مهارت های رفتاری غیرکلامی در ارتباطات اجتماعی گریه و اشک است. اشک نمایانگر عواطف و احساسات متعددی است که انسان ها در مکان ها و زمان های گوناگونی از آن استفاده می کنند، بر اساس آموزه های قرآن اشک دارای انواعی است: گاهی این اشک، اشک شوق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵: ۵۶) و شور معنوی است (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۸: ۳۰۲-۳۰۳) چنان که خداوند از برخی مؤمنان این گونه یاد می کند: «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده: ۸۳)؛ و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم های آن ها را می بینی که (از شوق)، اشک می ریزد، به خاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آن ها می گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس.

در آیه دیگر می فرماید: «إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًا» (مریم: ۵۸)؛ آن ها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند و سجده می کردند، درحالی که گریان بودند. انسان در ارتباطات اجتماعی نیز هنگامی که محبت کسی در دلش ایجاد شود، دوست دارد تا مخاطبش از این علاقه و تمایل او آگاه شود؛ ازاین رو یکی از بهترین

حالات، فهماندن میزان علاقه، اشک شوق است که باعث جلب اعتماد هردو طرف شده و ارتباط به بهترین شکل برقرار می‌شود، از این رو اشک یکی از بهترین راه‌های ارتباط عاطفی با محبوب است.

گاهی اشک تصویری از غم و اندوه است. مثل اشک ریختن در فراق و از دست دادن شخصی، موقعیتی که نبود آن باعث ایجاد اندوه در وجود انسان می‌شود؛ مانند گریه و اشک حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق حضرت یوسف علیه‌السلام که در سوره یوسف به آن اشاره شده و یکی از تأثیرات اجتماعی آن زنده نگه داشتن یاد حضرت یوسف علیه‌السلام و انتظار دولت آن حضرت بود. مورد دیگر قرآن درباره برخی مؤمنان می‌فرماید: «وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ» (توبه: ۹۲)؛ درحالی که چشمانشان از اندوه اشک‌بار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند). حضرت علی علیه‌السلام در سوگ پیامبر اشک می‌ریزد و از اندوه درد و فقدان رسول خدا نالان است و می‌فرماید: «اگر به شکیبایی امر نمی‌کردی و از بی‌تابی نهی نمی‌فرمودی، آنقدر اشک می‌ریختم تا اشک‌هایم تمام شود و این درد جانکاه همیشه در من می‌ماند و اندوهم جاودانه می‌شد که همه این‌ها در مصیب تو ناچیز است!» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۴۷۳).

گاهی اشک ریختن برای فریب دادن است. همچنان که در داستان حضرت یوسف، برادران گریه‌کنان نزد پدر آمدند «وَجَاؤْا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (یوسف: ۱۶) و با همان چشم اشک‌بار به پدر گفتند هرچند تو باور نمی‌کنی. «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف: ۱۷). این‌ها با الفاظ عاطفی، در نزد پدر پیش‌دستی کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۴) در ارتباطات اجتماعی این نوع اشک برای گول زدن طرف مقابل و فریب دادن دیگران استفاده می‌شود. از موارد دیگر آن اشک ندامت است که در ارتباطات اجتماعی زمانی که انسان به خطا و اشتباه خود پی می‌برد پشیمان و نادم می‌گردد و به دنبال پشیمانی سخت، اشک ندامت در چشمان او نمایان می‌گردد.

(د) مهارت ارتباطی خنده و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی

خندیدن و لبخند زدن از ملایم‌ترین و کارآمدترین علائم و روش‌های ارتباط غیرکلامی با دیگران است. لبخند به عنوان تقویت کننده، ایجاد سرور و بهجت در انسان‌ها کرده و مهارتی در جذب و الفت بین قلوب مردم و سلامت اجتماع است (حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸). در آموزه‌های دینی خنده دارای اقسام مختلفی است. گاهی خنده انتقال‌دهنده شادی است؛ مانند: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» (نمل: ۱۹)؛ سلیمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: پروردگارا! شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!

حضرت سلیمان وقتی سخن مورچه را شنید از شدت سرور تبسمی کرد که خداوند تا چه حد به او انعام داشته و کارش را به کجا کشانیده: به نبوت و علم، منطق طیر و ملک و سلطنت و لشگریانی از جن و انس و طیر، به او ارزانی داشته. لذا از خداوند درخواست می‌کند که شکر نعمت‌هایش را به وی الهام نماید؛ و به کارهایی که مایه رضای او باشد موفقش کند (طباطبایی، ۱۴۰۲ ق، ۱۵: ۳۵۳). گاهی خنده، نشانه تحقیر و تمسخر است. در آیه شریفه: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ» (زخرف: ۴۷)؛ زمانی که موسی با دلیل و برهان ما نزد آن‌ها رفته دعوت نمود قبول نکرده استهزاء نموده خندیدند. کافران پس از شنیدن آیات الهی به منظور خوار شمردن آیات خداوند خندیدند. یا در آیه «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» (مطففین: ۲۹)؛ بدکاران به اهل ایمان می‌خندند؛ که این نوع خنده‌ها همراه با تمسخر و استهزاء است؛ که باعث ایجاد نفرت در وجود انسان‌ها شده و آن‌ها را از هم دور می‌نماید. آموزه‌های دینی در ارتباطات اجتماعی بر شاد بودن، شاد زیستن، سرزنده بودن، تبسم بر چهره داشتن و پنهان‌سازی حزن و اندوه حاصل از رخدادهای نامالایم تأکید فراوان دارد.

«دقیقاً مقابل نظر بعضی از مقدس‌مآبان و مدعیان تبلیغ دین که به نام دین با همه چیز به جنگ برمی‌خیزند و شعارشان این است: اگر می‌خواهی دین داشته باشی پشت پا بزن بر همه چیز، شاد مباش و شادی نکن، از خلق بگریز و به انزوا پناه ببر» (مطهری، ۳، ۱۳۸۸: ۴۰۵). امام باقر علیه‌السلام نیز تبسم در برابر برادر دینی را حسنه دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ق، ۲: ۱۸۸) حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْقَطِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (کلینی، ۲، ۱۴۰۷: ۲۲۶)؛ مؤمن زیرک و هوشیار است، شادی‌اش در چهره و اندوهش در قلبش است. حضرت در ادامه می‌فرماید: «اگر بخندد، دهان را چاک ندهد خنده‌اش تبسم است و بسیار تبسم بر لب دارد. او بسیار شادمان باشد هرگز اخمو و ترش روی نیست» (همان: ۲۲۹). بر اساس آموزه‌های ارتباطی قرآن، هنگامی که انسان بشارتی دریافت کند، از جان وجود شاد و خرسند می‌شود و این سرور و شادمانی از حرکت لب‌ها و دهان و چهره نمایان خواهد شد. در داستان حضرت ابراهیم گفت‌وگوی ایشان با فرشتگان قرآن در توصیف واکنش همسر حضرت ابراهیم و تبیین موقعیت ایشان که شاهد آن گفت‌وگو بودند می‌فرماید: در این موقعیت همسر او که شاهد این تعامل بود خندید: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود: ۷۱)؛ و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق و بعد از او یعقوب دادیم. خنده ساره از روی شادی بود چون دید ترس ابراهیم (ع) از فرشتگان برطرف گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹: ۲۰۴). بسیاری از ارتباطات اجتماعی با حالات چهره همچون نگاه کردن، خندیدن، گریستن به دیگران منتقل می‌شود. انسان‌ها می‌توانند با اتخاذ حالات چهره متناسب با آن موقعیت، از خود عکس‌العمل نشان داده، یعنی در شادی طرف مقابل شاد و در نگرانی او سهمیم بوده و با چهره‌ای خوش‌رو با او روبه‌رو شویم. ظاهر آدمی چه شاد و چه محزون می‌تواند به اطرافیان هم منتقل شده و در آن‌ها هم ایجاد شادی و غم کند.

۵) مهارت ارتباطی پوشش و حجاب و تأثیر آن در ارتباطات اجتماعی

پوشش و زینت بدن، ازجمله مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی است که باعث سلامت در ارتباط اجتماعی شده و زمینه پیوستگی و ارتباط با یکدیگر یا انزجار از هم را فراهم نموده و تأثیر فراوانی در ارتباطات اجتماعی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱)؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید. «این جمله می‌تواند هم اشاره به زینت‌های جسمانی باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود و هم شامل زینت‌های معنوی، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶: ۱۴۸) چنان‌که مفسران آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا پوشیدن به هنگام نماز را ازجمله مصادیق زینت شمرده‌اند. امام مجتبی علیه‌السلام نیز به هنگام نماز و حضور در مسجد، بهترین لباس خود را می‌پوشید و می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلْ لِرَبِّي»؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من لباس زیبای خود را برای پروردگارم می‌پوشم و آنگاه این آیه را تلاوت می‌فرمود. (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۱۹: ۲؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۵۱: ۳؛ طبرسی، بی‌تا، ۹: ۸۷) نقش آراستگی ظاهر در آرامش روحی و ایجاد شادی، انبساط فردی و اجتماعی انکارناپذیر است؛ چون وقتی که لباس تمیز و مرتب پوشیده شود، در ناظرین احساس غیرقابل بیان و قطعی و حقیقی می‌گذارد. لباس مرتب و تمیز در آن‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و به عزت نفسشان می‌افزاید (کارنگی، ۱۳۷۵: ۲۱۴) و نشاط‌آور و لذت‌بخش است. لباس‌ها تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی را نشان می‌دهد. لباس انسان هم بر رفتار او و هم بر رفتار آن‌هایی که با او ارتباط دارند اثر می‌گذارد. «نحوه لباس پوشیدن ما، اطلاعات بسیار زیادی درباره ما به دیگران می‌دهد. نوع پارچه، رنگ، بافت، سبک‌های آراستن اندامان، پیام‌هایی را درباره این که چه کسی هستیم و رابطه‌مان با دیگران چگونه است و ارزش‌ها و نگرش‌ها، سلاقی، اهداف و

آرمان‌های ما کدام است را به دیگران منتقل می‌کند» (ریچموند، ۱۳۸۷: ۲۲) و در سلامت ارتباط اجتماعی ما نقش به سزایی دارد به همین دلیل اسلام برخی از پوشش‌ها را شأن مسلمانی نمی‌داند. مثل پوشیدن لباس مردانه برای زنان و لباس زنانه برای مردان، پوشیدن لباس بیگانگان و دشمنان که به تدریج هویت و فرهنگ زنان مسلمان را تحت تأثیر قرار داده و فرهنگ پوچی و هوسرانی را به ارمغان می‌آورد. امام صادق علیه‌السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم‌السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به مردم خود بگو: لباس دشمنان مرا نپوشید و خوراک دشمنان مرا نخورید خود را به شکل و شمایل دشمنان من در نیاورید؛ که در این صورت، شما نیز همچون آن‌ها، دشمن من خواهید بود (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۱: ۱۱۱). برخی نیز از زینت و پوشش برای گمراه کردن انسان‌ها استفاده می‌کنند که نشانه تأثیر مهارت پوشش در ارتباطات اجتماعی است. قرآن درباره قارون می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹)؛ (قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که طالب حیات دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به‌راستی که او بهره عظیمی دارد!، سامری نیز از زینت برای گمراه کردن بنی اسرائیل استفاده کرد: «حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدَفْنَاها فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۷)؛ ما مقداری از زینت آلات قوم را که با خود داشتیم افکندیم و سامری این چنین القا کرد؛ از این رو به خاطر تأثیر فراوان پوشش در ارتباطات اجتماعی از جهت مثبت و منفی، برخی پوشش‌ها در آموزه‌های دینی ممنوع شده است، مانند پوشیدن لباس شهرت، پوشیدن لباس نازک و تنگ که نمونه خواری و ذلت است به دلیل ایجاد سلامت در ارتباطات اجتماعی باید از آن پرهیز نمود. اشیائی که انسان برای زینت می‌پوشد همچون عینک، جواهرات هریک پیام‌های شخصی را منتقل می‌کنند و ارتباط غیرکلامی برقرار می‌کنند. «حلقه نامزدی در دست مردان و زنان و نوع خاص آرایش صورت زنانه بیانگر تأهل آنان

است. چنان که برخورداری از وسیله نقلیه فاخر و سکونت در مناطق مرفه نشین از ثروت و درآمد بالای آنان حکایت دارد. اگر کسی می‌خواهد به‌عنوان مددکار اجتماعی، دردهای مردمان زاغه‌نشین را التیام بخشد، نمی‌تواند با اتومبیل لوکس و تجملی آخرین مدل و لباس ابریشمی تازه از بسته‌بندی خارجی، خارج شده و با مصرف ادکلن گران‌قیمتی که عطر آن در جامعه، مفهوم اغنیا را منتقل می‌کند، با زاغه‌نشینان ارتباط برقرار کند و چه‌بسا در اولین برخورد دفع شود» (فرهنگی، ۱۳۹۸، ۱: ۲۷۵). برخی زنان بهترین لباس خود را برای استفاده در مجالس و مراسم اختصاص می‌دهند و کمتر تمایل به پوشیدن لباس‌های زیبا نزد همسران دارند، مهارت پوشش زیبا را برای اجتماع خود می‌گذارند که با این کار زمینه‌ی تزلزل بنیان خانواده و به خطر افتادن امنیت و سلامت اجتماعی را فراهم می‌سازند. از این رو قرآن خطاب به آنان می‌فرماید: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ...» (نور: ۳۱)؛ و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان...» و خطاب به مردان می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۴)؛ و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی از آن‌ها می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آن‌ها را پاک‌تر می‌دارد. رعایت پوشش مناسب اسلامی در اجتماع، زنان را از تعرض هوسرانان حفظ کرده و مانعی بر سر راه فحشاء و فساد اجتماعی و باعث امنیت روحی در جامعه و گسترش امنیت و سلامت اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

۱. حالات مختلف چهره بیانگر حالات درونی انسان همچون خشم، هیجان و خوش‌رویی است و حالات چهره بعد از زبان، مهم‌ترین و گویاترین منبع اطلاعاتی در انسان است. بر اساس انسان‌شناسی قرآنی، خلق و خو و احوال روحی آدمی بیش از همه در رنگ رخسار و حالات چهره او نمایان است. از منظر قرآن همان‌گونه که آشفتگی کدورت و تیرگی ضمیر منکران عالم

غیب و کسانی که از تجارب ایمانی و معنوی محروم و بی‌بهره‌اند، در رخسار آن‌ها نمایان است به همان نسبت صفای باطن اهل معنا در چهره آنان پیدا و پدیدار است پرتو نورانیت و صفای اهل ایمان از پرده رقیق و نازک جسم ایشان گذر کرده و چشم جان‌ناظران و صاحبان بصیرت را به نور خود روشن می‌سازد.

۲. مهارت ارتباط چشمی، یکی از عناصر مهم تعامل میان فردی برای شروع تعامل اجتماعی است. اولین ارتباطی که بین دو نفر برقرار می‌شود، ارتباط چشمی است که افراد چه‌بسا بدون بیان حتی یک کلمه می‌توانند با چشم‌ها به هم نوعان خود نزدیک شده یا از آن‌ها دوری گزیده، آن‌ها را کنترل کرده و به آن‌ها عشق بورزند یا متنفر باشند. از دیدگاه قرآن مهم‌ترین کارکردهای مهارت ارتباط چشمی که عامل سلامت ارتباطات اجتماعی است، کنترل نگاه به‌ویژه در مورد نگاه به جنس مخالف و نگاه تحقیرآمیز نکردن به دیگران است.

۳. گریه و خنده از مهارت‌های رفتاری غیرکلامی در ارتباطات اجتماعی نمایانگر عواطف و احساسات متعددی است که انسان‌ها در مکان‌ها و زمان‌های گوناگونی از آن استفاده می‌کنند، خندیدن و لبخند زدن از ملایم‌ترین و کارآمدترین علائم و روش‌های ارتباط غیرکلامی با دیگران است. لبخند به‌عنوان تقویت‌کننده، ایجاد سرور و بهجت در انسان‌ها کرده و مهارتی در جذب و الفت بین قلوب مردم و سلامت اجتماع است. آموزه‌های دینی در ارتباطات اجتماعی بر شاد بودن، شاد زیستن، سرزنده بودن، تبسم بر چهره داشتن و پنهان‌سازی حزن و اندوه حاصل از رخداد‌های ناملایم تأکید فراوان دارد. بسیاری از ارتباطات اجتماعی با حالات چهره همچون نگاه کردن، خندیدن، گریستن به دیگران منتقل می‌شود و انسان‌ها می‌توانند با اتخاذ حالات چهره متناسب با آن موقعیت، از خود عکس‌العمل نشان داده، یعنی در شادی طرف مقابل شاد و در نگرانی او سهمیم باشند. ظاهر آدمی چه شاد و چه محزون می‌تواند به اطرافیان هم منتقل شده و در آن‌ها هم ایجاد شادی و غم کند.

۴. پوشش و زینت بدن با لباس، ازجمله مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی است که باعث سلامت در ارتباط اجتماعی شده و زمینه پیوستگی و ارتباط با یکدیگر یا انزجار از هم را فراهم می‌نماید. طرز لباس پوشیدن و انتخاب نوع آن، حتی رنگ لباس در شخصیت و حتی روحیه افراد جامعه تأثیرگذار است.



منابع

*قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول*. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- احمدی میانجی، علی. (۱۹۹۸ م). *مکاتیب الرسول*، بی جا: دارالحديث.
- آذربایجانسی، مسعود و دیگران، (۱۳۸۲). *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. چاپ دوم. تهران: اسلامی.
- جوناور-مارتین کارلیز. (۱۳۹۲). *بدن سخن می گوید*. ترجمه آریتا نجات مهر. نسل نو اندیشان (نسخه الکترونیکی).
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حسین زاده، علی. (۱۳۹۰). *همسران سازگار*. چاپ یازدهم. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۶۹). *معارف و معاریف*. رچاپ سوم. قم: اسماعیلیان.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نور الثقلین*. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۵). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*. مترجم: غلامرضا خسروی حسینی. چاپ دوم. تهران: مرتضوی.
- رضائی، ایرج. (۱۳۹۳). مقاله «نقش رفتارهای غیر کلامی در ارتباطات انسانی از منظر آیات و روایات». *نشریه بصیرت و تربیت اسلامی*. سال ۱۱. شماره ۳۱. صص ۴۷-۷۲.
- روحی، فاطمه، زارع، حسین، آخوندی، نیلا. (۱۳۹۶). مقاله «رابطه زبان بدن با ادراک تعامل اجتماعی». *دوفصلنامه شناخت اجتماعی*. سال ششم. شماره اول. پیاپی ۱۱. صص ۱۴۷-۱۵۶.
- ریچموند، ویرجینیایی. (۱۳۸۷). *رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی*. مترجمان: فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبد الله پور. تهران: نشر دانژه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغة*. محمد دشتی. زچاپ اول. قم: مشهور.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۰۲ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل. (بی تا). *تفسیر مجمع البیان*. مترجمان. تهران: فراهانی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- . عباس نژاد، حمیده؛ طیرانی نیک نژاد، حمید؛ قاسمی، محمد مهدی؛ جهانگیری، نادر. (۱۳۹۴). مقاله «مقایسه ارتباطات غیرکلامی کودکان کم شنوای استفاده کننده از کاشت حلزون و سمعک».
- مجله علوم پیراپزشکی و توانبخشی مشهد*. دوره ۱۱ شماره ۳. صص ۷۳-۶۶.
- عمید، سید حسین. (۱۳۷۴). *فرهنگ عمید*. چاپ سوم. تهران: انتشارات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۹۸). *ارتباطات انسانی مبانی*. تهران: رسا.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). *تفسیر من وحی القرآن*. لبنان: دارالملاک.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- کارنگی، دیل. (۱۳۷۵). *آیین سخنرانی*. ترجمه مهرداد مهدین. تهران: نشر آریان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. ج ۵. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). *أصول الکافی*. ترجمه کمره‌ای. چاپ سوم. قم: اسوه.
- محدثی، جواد. (۱۳۹۶). *حکمت‌های فاطمی*. قم: بوستان کتاب.
- محدثی، جواد. (۱۳۹۲). *درس‌هایی از نهج البلاغه*. ج ۲. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. ج ۷. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. ج ۱۹. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). *مجموعه آثار*. ج ۳. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۷۲). *فرهنگ معین*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۲۱. چاپ دهم. تهران: دارالکتب اسلامی.
- یحیایی ایلهای، احمد. (۱۳۸۱). *اصول و آداب تشریفات*. تهران: انتشارات کارگزار روابط عمومی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Holy Qur'an (with the English translation: Qara'i, Ali Quli (2005). The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation. 2nd edition. London: Islamic College for Advanced Studies (ICAS) Press.
- 'Abbās Nijād, Ḥamīdeh et al. (2015). "Muqāyise-yi Irtibātāt-i ghayr Kalāmī-yi Kudakān-i kam-shanavāyi Istifāde kunandeh az kāst-e Ḥalzūn va Sam'ak." Journal of 'Ulūm-i Parā-Pizishkī va Tawānbakhshī-yi Mashhad, vol. 11, no. 3, pp. 66–73.
- Aḥmadī Miyānjī, 'Ali. (1998). Makātīb al-Rasūl. N.P.: Dār al-Ḥadīth.
- 'Amīd, Sayyid Ḥusayn. (1995). Farhang-i 'Amīd. 3rd ed. Tehran: Islāmī Publications.
- Āzarbāijānī, Mas'ūd et al. (2003). Ravān-shināsī-yi ijtimā'ī bā nigارش bih manābi'-i islāmī. Tehran: Ḥawzah and University Research Institute and SAMT Publications.
- Buṣṭānī, Fu'ād Afrām. (1996). Farhang-i Abjadī. 2nd ed. Tehran: Islāmī Publications.
- Carnegie, Dale. (1996). Āyīn-i Suḥanrānī. Tr. Mehrdād Maḥdīn. Tehran: Āriyān Press.
- Dehkhudā, 'Alī Akbar. (2016). Lughat-nāmeḥ-yi Dehkhudā. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Faḍlallāh, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1999). Tafsīr Min waḥy al-Qur'ān. Beirut: Dār al-Milāk.
- Farāhīdī, Khafīl ibn Aḥmad. (1989). Kitāb al-'Ayn. 2nd ed. Qom: Hijrat Publications.
- Farhangī, 'Alī Akbar. (2019). Irtibātāt-i Insānī: Mabānī. Tehran: Rasā Publications.
- Ḥurr 'Amīlī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1989). Wasā'il al-Shī'ah. 1st ed. Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt ('a.s).
- Ḥusaynī Dashtī, Muṣṭafā. (1990). Ma'ārif wa ma'ārif. 3rd ed. Qom: Ismā'īliyyān Publications.
- Ḥusaynzādeh, 'Ali. (2011). Hamsarān-i Sāzigār. 11th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Ḥuwayzī, 'Abd 'Alī ibn Jum'ah. (1994). Tafsīr Nūr al-Thaqalayn. 4th ed. Qom: Ismā'īliyyān Publications.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Ali. (2006). 'Ilal al-Sharā'i'. Qom: Kitābfurūshī-yi Dāvārī.
- Ibn Sh'ubah Ḥarrānī, Ḥasan ibn 'Ali. (1984). Tuḥaf al-'Uqūl. 2nd ed. Qom: Jāmi'ah-yi Mudarrisīn Publications.
- Jawharī, Ismā'īl ibn Ḥammād. (1956). Al-Shīḥah. Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn.
- Joe Navarro. (2013). Badan Sukhan Mīgūyad. Tr. Āzītā Najāt Mehr. Nasl-i Nū Andīshān (electronic ed.).
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. (1987). Al-Kāfī. Eds. 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī. 4th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. (1996). 'Uṣūl al-Kāfī. Tr. Kamrah'i. 3rd ed. Qom: Usweh Publications.
- Makārīm Shīrāzī, Nāṣir. (1995). Tafsīr-i Nemūneh. 10th ed. Tehran: Dār al-Kutub Islāmīyah.
- Mo'in, Muḥammad. (1993). Farhang-i Ma'in. Tehran: University of Tehran.
- Muḥaddithī, Javād. (2013). Dars-hāyī az Nahj al-Balāghah. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Muḥaddithī, Javād. (2017). Ḥikmat-hāyī-yi Fāṭimī. Qom: Buṣṭān-i Kitāb.
- Muṣṭafawī, Ḥasan. (2010). Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-karīm. 3rd ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.
- Mutahhari, Morteza. (2006). Majmū'ah Āthār. vol. 19. Tehran: Sadra Publications.
- Mutahhari, Morteza. (2009). Majmū'ah Āthār. vol. 3. Tehran: Sadra Publications.
- Qarā'atī, Muḥsin. (2009). Tafsīr Nūr. Tehran: Markaz-i Farhangī-yi Dars-hāyī az Qur'ān.
- Rāghib Ishfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. (1991). Mufradāt alfāz al-Qur'ān. 1st ed. Beirut: Dār al-Qalam.
- Rāghib Ishfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. (1995). Mufradāt alfāz Qur'ān. Tr. Ghulām Reza Khosravī Ḥusaynī. 2nd ed. Tehran: Murtazavī Publications.
- Rezaei, Īraj. (2014). "Naqsh-e Raftārḥā-ye Gheyri-Kalāmī dar Irtibātāt-e Insānī az Manzar-e Āyāt va Rivāyāt". Journal of Baṣīrat wa Tarbiyat-i Islāmī, vol. 11, no. 31, pp. 47–72.
- Richmond, Virginia P. (2008). Raftār-i ghayr kalāmī dar Ravābiṭ-i miyān fardī. Trs. Fatemeh Sادات Mousavi / Jila Abdollahpour. Tehran: Dānizhah Press.
- Rūhī, Fāṭimah; Zārī, Ḥusayn; Ākhūndī, Nīlā. (2017). "Rābiṭeh-ye Zabān-e Badan bā 'Idrāk-e

- Ta'āmul-e Ijtimā'ī" Quarterly Journal Shinākht-i Ijtimā'ī, vol. 6, no. 1, ser. 11, pp. 147–156.
- Sharīf al-Raḍī, Muḥammad ibn Ḥusayn. (2000). Tarjumat Nahj al-Balāghah. Tran. Muḥammad Dashed. 1st ed. Qom: Mashhūr Publications.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. (1982). Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān. Beirut: Mu'assasah al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭabarsī, Ḥasan ibn Faḍl. (n.d.). Tafsīr Majma' al-bayān. Trs. Tehran: Farāhānī Publications.
- Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. (1996). Majma' al-Baḥrayn. 3rd ed. Tehran: Murtazavī Publications.
- Yahyā'ī Ilhā'ī, Aḥmad. (2002). Uṣūl wa Ādāb-i Tashrīfāt. Tehran: Public Relations Broker Publications.



| Extended Abstract |

Nonverbal Communicative Behaviors and Their Impact on Social Interaction from the Perspective of the Qur'an

Mohammad Ismail Salehizadeh , Tahereh Haji Qasemi

Research Objective: Communication constitutes a major part of social life and the interactions of every individual. Human communication is not confined to verbal communication; rather, a significant portion of human interaction takes place through nonverbal means. In explaining nonverbal communication, the Qur'an emphasizes the importance of outward traits in individual and social relations—such as facial expressions, types of gazes, smiling, cheerfulness, crying, laughter, and dress—which serve as factors for the well-being of society. This study aims to present nonverbal behavioral skills and their impact on social communication from the perspective of the Qur'an.

Research Methodology: This study, employing a descriptive-analytical method and drawing upon Qur'anic verses as well as reliable sources, examines nonverbal behavioral skills and their impact on social communication.

Findings: The findings of this research indicate that facial expressions reflect a person's inner states and constitute one of the most important elements of interpersonal interaction for maintaining healthy social relations. Individuals can display reactions through facial expressions appropriate to a given situation, and a cheerful or sorrowful face can bring joy or sadness to those around them. Among the most significant functions of eye-contact skills—which are essential to the soundness of social communication—are controlling one's gaze, particularly regarding the opposite sex, and refraining from looking at others with contempt. The communication skill of smiling creates joy and delight in people, fosters affection and closeness among hearts, and contributes to social well-being. The skill of dressing and adorning the body with appropriate clothing ensures soundness in social communication and facilitates cohesion and connection among individuals.

Conclusion:

The results of this study indicate the following:

1. Various facial expressions reflect inner human states such as anger, excitement, and cheerfulness. After language, facial expressions constitute the most important and most eloquent source of information in human beings. According to Qur'anic anthropology, a person's temperament, character, and spiritual states are most visibly manifested in the complexion and expressions of the face. From the Qur'anic perspective, just as the turmoil, opacity, and darkness of the hearts of those who deny the unseen and are deprived of spiritual and faith-based experiences appear on their faces, likewise, the purity of the inner self of the people of spirituality is manifest in their

countenances. The radiance and serenity of the faithful shine through the delicate veil of their physical being, illuminating the inner sight of observers and those endowed with insight.

2. Eye-contact skills are among the key elements of interpersonal interaction for initiating social engagement. The first connection established between two individuals is through eye contact, whereby people, without uttering a single word, can draw close to their fellow humans or distance themselves, exert influence over them, and express either love or aversion.

3. Crying and laughter are nonverbal behavioral skills in social communication that reflect a variety of emotions and feelings, employed by human beings in different places and times. Laughing and smiling are among the most gentle and effective signs and methods of nonverbal communication with others. A smile, as a reinforcing factor, generates joy and delight in individuals, fostering closeness and affection among hearts and promoting social well-being. Religious teachings regarding social communication place great emphasis on being cheerful, living joyfully, maintaining vitality, wearing a smile, and concealing sorrow and grief arising from unpleasant events.

4. Dress and bodily adornment are among the nonverbal communication skills that contribute to the soundness of social relations, creating the basis either for cohesion and connection or for alienation. The manner of dressing, the type of clothing chosen, and even its color influence both personality and the emotional states of members of society.

Keywords: Qur'an; Behavioral skills; Nonverbal skills; Social communication; Social well-being